هایی که راه برآن بند شده بود پیش رفت. بوتلی در دست داشت با آنکه مرمی هایی برجسمش نشست توانست خود را به تانکی رسانده وآنرا منفجرسازد، خودش نیزبجوار رحمت حق پیوست تانکها وخودروها درتله گیرافتاده بودندومجاهدین ازکمر کوه ها وداخل سنگرها با تفنگهای ۳۰۳ بر، یك تیره، پنج تیره موش کش وتفنگچه های قدیمی تیرایی عرصهٔ کارزار راچنان بر دشمن تنگ ساختندکه دشمن تیت وپاشان شده وصدها نفراز آنان کشته وزخمی شدند. قوای هوایی به یاری ملحدین به میدان آمد وشروع به بمباریهای شدید کرد. مجاهدین سنگر های شانرا تغییرداده وبه طرف پشته خواجه بادام و دیوالك اخذموقع نمودند وجسد پربرکت جوان شهید را با خودبرداشتند.(۱)

نبرد شدید روزدوم نیزدوام یافت. دشمن با برخورداری ازحمایه قوای هوایی به شعاع ده کیلو متری سنگرمرکزی مجاهدین درچارکنت رسید. همچنین تانکهای دشمن به قریه تندورك داخل شده وعساکردشمن به شش کیلومتری غرب علاقداری چارکنت قریهٔ شرشر پیش رفته وبه تنگی آسیای زاغ رسیدند. مجاهدین با مقاومت سرسختانه توانستند حملات دشمن را به عقب زنند. وسایط نقلیه حامل مهمات ونفربرها را تخریب نمودند.

۱ـ باوجود تحقیقات زیاد مدون این رساله موفق نشده است تا حال نام این جوان فداکار را بدست آورد.

جنگ تا شام ادامه یافت و دشمن با تحمل ده ها کشته وزخمی مجبور به عقب نشینی بسوی مزار شریف شد .

در نزدیکی دره شادیان در حدود ۱۰ کیلومتری مزار شریف در قلعهٔ نایب سالار پوسته دولتی را بنا نهاد و یکصد نفر از عساکر فرقه ۱٦ در آن وظایف را بعهده گرفتند تا آنکه در سال ۱۳۵۹ ذبیح الله خان بد مارمل آمد و بساط آنرا برچید. عساکر به مجاهدین پیوستند و اسلحهٔ ایشان بـه مارمل نقل داده شد در سرطان ۱۳۵۹ مردم چارکنت شولگره و اطراف آن چندین بار حملات گسترده عساکر رژیم مزدور و سر سپردگان آنا نرا به عقب رانده وتلفات زیادی را برآنان تحمیل داشته اند .

صدها میل اسلحه درخلال این پیکارها بدست مجاهدین افتاد ومجاهدین به بیش از یکصد عملیات چریکی در شاهراه ها برقوای ملحد روس دست زدند که همه موفقانه انجام شد در برج سرطان ۱۳۵۹ بود که برادر محترم و شجیع ذبیح الله به ولایت بلخ آمد و جبهه مارمل را بنیاد گذاشت و جهاد وارد مرحلهٔ نوینی شد. این مجاهد رسیده و آشنا به رموز و فنون جنگی، قوای روسی و رژیم ملحد را بارها با شکست های فاحش مواجه ساخته و اموال بسیاری را به غنیمت گرفت هنوز هم این سلسله جریان دارد و پیروان او سنگرها را بـا همان استحکام اولی نگهداشته اند که در فرصت مساعد بـه توضیح این رویداد های باشکوه پرداخته میشود.

برای حسن اختتام ابیاتی چند که از قلم عبدالولی انصاری
زیر عنوان تشکیل جبهه مارمل تراوش یافته تقدیم میداریم.

تشکیل جبههٔ مارمل

سعادت از نهفتد ببر آید ظفر با قوت شمشیر آیـــــد
قیام اولین در بلـــخ بامی نخست از چار کنت برداشت گامی
مسلمانان بهم یکجا نشستند ره سیلاب باطل تا به بستند
اساس جنبش از گفتار حق بود زاهل علم با مردم سبق بود
زتحریکات آن مردان آگـاه تعالیم خـدا قرآن اللـــــه
به بـلخ باستان بـرپا قیامی شدی از هرد رودیوار و بامـی
صدای نعره اللـه اکبـــر بکوه ود شت ودرپیچید یکسر
درین دم آن ذبیح اللهثانی بیامد بهرتکوین مبانـــــی
امیرکار و ان کربلا شــــد شعار او به انجمهمنوا شـد
به مارمل سنگری بنمود ایجاد زلوث کفر آنجا گشت آزاد
به مارمل جای درمکتب گزیدی زتنگی رخت خود اینسوبه بردی
تقرر یافت با شـور تمنــا کنام شیر مردان اندر انجا
بدامان کهن بلخ غم آلـود جهاد ماء درامید بکشـود
حرم جویان مبارز قهرمانان علیه کفربنمودند پیمـــا ن

بدور محوردانش چو سیماب تپید نهانمودند ازتب وتاب
ذبیح الله آن فرد مسلمان که بودی اهل علم وفضل وعرفان
ازان دارالعلوم فیض آثار که منسوب است سوی چارمین یار
نموده علم حاصل در جوانی به این ام البلاد باستانی
زدی با نعرهٔ الله اکبر به قلب لشکرکفار خنجر
بسی آتش کشیدی دردل خون که حیران شد جهان وچرخ گردون
قرین سنگر او شاد یاربود که آنجاجبهه آن ملحدان بود
ازانرو درپی تسخیرآن شد بدام آورد و در تد بیرآن شد
که بودی با عزیزان سلحشور بیک دل یکزبان دادند دستور
که آنها رابه بند آرند و گیرند هرآنچه شرع فرماید پذیرند
نماز جمعه آنجا حمله کردند بآسانی شکار جمله کردند
نوشتی عالمان فتوای پنج تن شدند اعدام اینها روز روشن
سلاح دست آنها ۲۷ میل گرفتی آنهمه بی قال وبی قیل
که پیکار مسلمانان میهن چوسیلاب فنا بودی بدشمن
ازین آوازه پیچیدی بهرجا که بودی هرزمان فرعون وموسی
ذبیح الله چوبا یاران همراز رسیدی نزد همرزمان سرباز
گرفتی جمله درآغوش وگفتی بیاران دراین معنی بسفتی ،

که ای یاران میدان شهادت	رضای حق بود جان شهادت
بسوی رزمجویان سلحشور	به آن سربرکفان مشعل نور
نظرها داشتی ازعمق اسلام	بسوی هریکی ازروی اکرام
ازان نرونوجوانان سوی میدان	زخونین سنگر مردان افغان
فشاندی جان ودل نورنظرها	بسان موج گل همچون گهرها
که تاآزاد باشد میهن ما	دل ماماٴ من مامدفن ما
تمام مارمل سوی دلیران	نظرها داشتی باسوز ایمان
نظرها داشتی زائینهٔ حق	وفاکردی زهمکاری مطلق
جوانان مبارز برق آسا	زاطراف ولایت درهمه جا
شتابیدی به سنگرهای زیبا	زدی آتش به خلقی پرچمی ها
شکستی لشکر سرخ هریمن	دمیدی روح نودرجسم میهن
بد ورمحور حق درطپش ها	چوقلب مرد چابك درجهش ها
نه رنگ امتیازات تو و من	نه زرقی ازدو رنگیهای گلشن
بکوه تنگی قرب سنگر ما	مجاهد خلقیان افگندا زپا
به نیروی جوانان دلاور	بشدا ز خلقیان پاکیزه سنگر
سپس با قتل این چند منافق	بمردم گشت معلوم این حقایق


بلخ
مزار شریف
مارمل
شادیان
چارکنت

که حقا در وطن سوز جهاد است   میان این دلبران اتحاد است
بیا تا دل براه حق فشانیم   عنان رفته اندر کف ستانیم
که چشم انتظار مام میهن   بود هر لحظه سوی توء سوی من

قیام چارکنت

همزمان با فاجعه ۷ ثور و بمیان آمدن رژیم کمونیستی در افغانستان ، از گوشه وکنار مردم مسلمان و سلحشور کشور ما دست به قیامهای مسلحانه در برابر رژیم کمونیستی زدند . برج جوزای سال ۱۳۵۷ سر آغاز این قیامها بود ه که در مدت زمان بسیار کوتاه به قیام سر تاسری ملت مسلمان افغانستان دربرابر رژیم ملحد کمونیستی و روسها مبدل شد که تا حال به آزادی بیش از ٪ ۹۰ مجموع مساحت میهن ما انجامیده است . این قیامها در نقاطیکه صورت گرفته ، لابد اسم همان محل را باخوددارد . ازانجمله است قیام برج حوت ۱۳۵۷ مردم مسلمان و شجیع علاقداری چارکنت وولسوالو شولگره ولایت بلخ ، این منطقه کوهستانی ازآوانیکه با براه انداختن جهاد حق علیه باطل آزادیش را بدست آورده است ، ملحدین نتوانسته اند تاکنون آنرا تحت سیطره خوددرآورند

علاقداری چارکنت، مربوط ولسوالی نهر شاهی ولایت بلخ است که در چهل کیلومتری مزار شریف واقع بوده و دارای هژده قریه بزرگ میباشد که با داشتن زمینهای زراعتی آبی و للمی قسمت بیشتر غله مورد نیاز ولایت بلخ را تامین می نموده ولی امروز این قرا واکثر قریه های دیگر افغانستان عزیز بوسیله روسهای بیداد گر خراب شده است. این علاقه داری شمالاً به مارمل و غرباً به شادیان، جنوباً به دره صوف و کشنده و شرقاً به حضرت سلطان پیوسته است.

قیام چارکنت و پیامدهای آن ۳ برج حوت ۱۳۵۷

مردم مسلمان ومتدین چارکنت مانند سایر هموطنان مسلمان ما از آغاز کودتای سال ۱۳۵۷، رژیم ملحد دست نشانده روس را دشمن دین، ناموس، آزادی و تمامیت ارضی کشور خویش شناخته و در پی آن بودند تا بزود ترین فرصت این رژیم کمونیستی را چنان سرکوب نمایند تا کشور را از لوث کمونستها برای همیشه پاک نمایند. مردم غیور آن سامان خوب بخاطر دارند که روسهای ددمنش بر برادران مسلمان شان در آسیای مرکزی چطور سیطرهٔ الحادی خود را گسترانیدند وایشان را به بند کشیدند. مهاجرین آن دیار که به افغانستان آمده اند هنوز صحنه های آدم کشی و تباهی آن معرکه ها را بازگومی نمودند که

هموطنان مسلمان ما در ولایت بلخ ، آنجا که مدفن شیرخدا علی مرتضی کرم الله وجهه است ، دیدند که رژیم کمونیستی بر آن شده تا زیر شعار دروغین نان ، لباس و مسکن مردم مسلمان افغانستان را نیز از دارونداز معنوی و مادی شان محروم سازد و دین و نوامیس آنها را پایمال نماید .

از آنجاییکه مردم مسلمان و آزادی دوست افغانستان ، عشق به آزادی و استقلال را از زمانه های بسیار دور از نیاکان شان به ارث برده اند و فرهنگ غنی اسلامی و ارزشهای والای دین برحق اسلام جذبهٔ عشق به آزادی را چنان در شرایین و عروق افغان ها بهم آمیخته و جا داده است که جز خداوند متعال به هیچ قدرت دیگری سر بندگی و اطاعت فرو نمی آورند ، جهاد در راه خدا را رسیدن به هدف میدانند و مهاجرت را پیوستن به صف .

مسلمانی که داند راز دین را
نساید پیش غیر الله جبین را

آری محبت و عشق به اسلام که تمام جذبات را در دل مردم مسلمان افغانستان به سرحد کمال رسانیده است سبب شد تا در هر گوشه و کنار چارکنت و نواحی نزدیک به آن صدای مخالفت و ضدیت با مفکوره الحادی رژیم و ایادی مزدور آن بلند شود و راه اوج و شگوفایی را بپیماید و پیام انقلاب ورستاخیز را بگوش مردم آن سامان زمزمه کند وسرانجام مردم همه در جلگه ها و

کوه پایه‌های یکدل و یک‌صدا شونده‌بیاند یشند و اندیشه‌را در عمل پیاده کنند. روحانیون وپیشوایان مسلمان دینی در مساجد مردم را به جهاد تحریک کردند وبه مسلمانان حالی ساختند که فرمان خدای متعال برآن است تا نگذارند طلسم الحاد که‌همچون جال عنکبوت سست وبی بنیاد است بر کشور اسلامی شان چیره شود. باید مردم مسلمان در برابرآن جهاد کنند وبا ادای این فریضه، دین خودرا در برابر اسلام ووطن اداء کنند و افسون کمونیزم را که به مسخ شخصیت فکری انسان آزاده ومسلمان میپرداز ددرین ماوای شیر مردان بی اثر نمایند.

مردم همه هیجانی شده بودند.جوانان احساس کردند تا بدون درنگ به منظوردفاع ازدین وناموس و قبل از آن که کمونیزم مجال یابد کشور اسلامی شان رابیلعد، به میدان کار راوروند. نعره های الله اکبر بهر سو بلند بود. درفکرچاره وتدبیر کار بودند، درگرماگرم این فعالیت‌ها سوارکاران شجاع، مردان دلیروشیفتگان پروردگارجهانیان بحیث سرد سته مجاهدین جلوآمدندوبه پیش تاختند وبه‌بسیار نیکویی و گرم جوشی استقبال و همراهی شدند.

درین هنگام بین‌عدۀ از مردم همچون دین محمد، محمد حسین مسرور مشهور به "سید قوماندان ، غلام رسول از سر کردگان قریه قولند پیکان درۀ شولگره، خواجه سکندراز سر

کردگان قریه ارلات کشنده ولایت بلخ، برات علی از سر کردگان برادران هزاره پنجاب سنگچارك جوزجان ، محمدعلی برادر غلام رسول ازقولند شولگره ولایت بلخ ، قاضی محمد شریف و مولوی محمدالله فارغ التحصیلان دارالعلوم اسدیه مزارشریف ساکنان فرشقان سنگچارك ، مولوی عبدالرحیم فارغ التحصیل دارالعلوم اسدیه ساکن قریه اوقاف سنگچارك ، سیف الدین ازدره زمچی سنگچارك ، وکیل نور محمد ازولسوالی روبی دوآب و صد باشی آمر جبهه تاشقرغان نشست ها و مجالسی صورت گرفت . همه یکدل ویکزبان فارغ از دسته بندی های نژادی و سیاسی تحت لوای اسلام عهد بستند تاجهاد برحق راعلیه باطل بی بنیاد بهراه اندازند .

برادران مسلمان بتاسی ازحکم پروردگارخویش درین راه با ایشان همگام شدند ودر اندك مدت فتح وپیروزی نصیب شان شد . مناطق کوهستانی بلخ باستانی بکلی آزاد شد وبرجلگه ها نیزتا اکنون روسها نتوانسته اند حکمروایی کنند وانشاء الله که نمی توانند .

این آزاد سازیها پیامد هایی چون ویرانی خانه ها و و مزارع و حملات پیدرپی قوای ملحد روس را نیزباخود داشت که تا همین اکنون ادامه دارد.

* * *

حملهٔ اول بر چارکنت

ششم برج حوت ۱۳۵۷ بود که رژیم دست نشانده روس حمله را بر مردمان بی دفاع چارکنت آغاز کرد. درین حمله تعداد زیادی از خلقی ها وعساکر رژیم مزدوره همراه با تانک وخود رو های نظامی سهم داشتند .

سید محمد حسین قوماندان مجاهدین مرکزعملیات خود را درموضع مرتفعی در غرب چارکنت که بنام گردنهٔ دیوالك و کوه خواجه سرامسنی است قرار داده بود که تقریباً در شش کیلومتری قریهٔ سفید چشمه موقعیت دارد. در قریهٔ نانبایی که جم غفیری ازاهالی چارکنت سکونت دارند، عساکراجیر رژیم مزدور جابجا شده برساکنین قریه آتش کشودند. زمین ازبرف پوشیده بود، آتش مسلسل ها وده شکه های تانك وتوپ که بگونهٔ غیر مترقبه وآنی صورت گرفت موجبات سراسیمگی وپریشانی خاطر پیرو جوان کودکان قریه را فراهم نمود . باآنهم مردم فامیلها وفرزندان شان را به جاهای مصئون ازتیررس دشمنان ، درمغاره ها وپناه گاههای کوهی رهنمون شدند . مردم چراغهای هریکین باخودداشتندکه دراکثرموارد غرض رهیابی ازان کار میگرفتند غافل ازآنکه دد منشان حمله آورباستفاده ازروشنایی چراغها آن محلات را تحت ضربات پیهم اسلحه کشنده ناریه ، ماشیندار

وتوپ قرار میدهند• درآن شب وحشتزا با ترحملات دشمن عدهٔ از
برادران ، خواهران و اطفال مسلمان ما بمقام منیع شهادت
نایل شدند و خونهای گرم شان برف سفید و یخ بسته را
گلگونی و گرمی میبخشید•

آن شب مجاهدین بداخل قریه نبودند • فردای آن ، وقت
درنزدیکی شادیان از رویداد آگاه می شوند، تکبیرگو یان
به سرعت خود را به محل واقعه یعنی دیوالك میرسانند •

مجاهدین که تعداد شان از سه صد نفر تجاوز نمیکرد
و فاقد اسلحهٔ مورد نیاز بودندبا اتکا بهخدای خودواسلحهایمان
برقوای متجاوزکه تعداد شان درحدود دو هزارنفرتخمین میشد
وبا انواع سلاح پیشرفته مسلح بودند ، مقابل شدند • جنگ به
بسیار شدت مدت سه شبانه روزادامه یافت ودر نهایت به پیروزی
وظفر مجاهدین راه خدا ، فرزندان اصیل وطن انجامید •

عساکر رژیم مزدور بعدازبجاگذاشتن ۱۶۰ کشته وده ها
زخمی فرار را بر قرار ترجیح دادند و به سوی مزارشریف
گریختند • درحال عقب نشینی دشمنان در حصه تنگی چشمه شفاء
نیزمورد حملهٔ مجاهدین قرارگرفتند و تلفاتی به ایشان وارد
آمد • اما قوای هوایی رژیم مزدور ، آن منطقه را بمباران
نمود که در اثر آن دونفر از برادران مجاهد بنامهای محمد
رحیم از قریه ارلات ولسوالی شولگره و عبدالرسول از قریه
امرخ پنجاب جام شهادت نوشیدند• روح شان شاد و راه شان
مستدام باد•

رویداد فوق نخستین مرحله جهاد مسلحانهٔ مجاهدین منطقه چهارکنت و شولگره در برابر قوای خونخوار رژیم دست نشانده کمو نیستی است.

دومین حمله برچارکنت

بتاریخ سوم حوت ۱۳۵۷ مجاهدین مرکز علاقداری چارکنت، منطقهٔ "شرشر" راکه دربین کوه شادیان موقعیت دارد، آزاد نمودند.

لازم به یادآوری میدانم که از دو راه میتوان باین مرکز رسید. یکی راه تنگی شادیان و دیگر راه تنگی شفا که در فاصله بیست کیلومتری غرب تنگی شادیان واقع است. و کوه البرز را از کوه شادیان جدا میسازد. در پیچ و خم آن دره ها مواضع مستحکمی وجود دارد که با استفاده از آن قوای اندك میتواند سد راه لشکر بزرگی شود.

قوای مزدور با جیره خوارانی به اصطلاح مدافعین انقلاب و کارمندان صندوق تعاونی درحالیکه ملیشه ها نیز آنها را همراهی مینمودند بگونهٔ غیر مترقیه بالای اهالی چارکنت حمله ور شدند بدین ترتیب که:

۱- تعدادی از قوای دشمن از طریق پیکان دره رحمت آباد و تندورك راهی قریه های چارکنت شدند. مجاهدین قریه تندورك باتفاق مجاهدین سایر مناطق چارکنت راه پیشروی

دشمن را سد نموده و عساکر رژیم مزدور مجبور شدند تا مدت دو روز را در آنجا بمانند.

۲ـ دسته دیگرعساکررژیم دست نشانده ازطریق تنگی شادیان بسوی مرکز چارکنت پیش میرفت که درحوالی قریه سلطان بابه علی شیر با مقاومت مجاهدین روبروشد.

دشمن استحکامات و سنگرهای مجاهدین راازطریق هوا و زمین تحت بمباران وضربات شدید قرارداد که بالاثرآن تلفات جانی و مالی زیادی ببار آمد. مجاهدین بروش جهادی خاص خود شان که ازپیش طرح شده بود تقریباً یکصد نفررابه کمین گاه ها گذاشته وبقیه به سنگرهای مستحکمترکه بنام پوزه ریگ، ارچه کوتل وگردنه دیوالك یاد میشود عقب نشینی تاکتیکی نمودندوبعد از ساعت چار عصرازتمام سنگرها به قطع آتش پرداختند.

عساکردشمن به این تصورکه حملات شان موثرواقع و تنگی شادیان تخلیه گردیده است پیشروی شانرا دوام داده و وارد تنگی شدند. درین وقت مجاهدین با اغتنام فرصت با بوتل های مملو از مواد منفلقه بالای خود روها وتانکها حمله ورشدند. بوتلی بر موترحامل مهمات اصابت کرد وآنرا منفجر ساخت. آنسو بوتل دیگری برتانکی اصابت کردوشعله های ازان به هوا برخاست. جوانی که این دوکار راانجام داده بود از فرط خوشی واحساسات سر از پا نمی شناخت وبا شتاب بطرف تانك

از نشرات شورای ثقافتی جهاد افغانستان

قیام چهارکنت

رویدادها ۱۰

قیام چهارکنت

رویدادها-۱۰

- موءلفان: اعضای شورای ثقافتی جهاد افغانستان.
- تعداد چاپ: ۱۰۰۰ نسخه
- چاپ اول
- شمارهٔ عمومی: ۱۰۰
- شمارهٔ خصوصی: ۱۰ (رویدادها)
- تاریخ چاپ: سرطان ۱۳۶۵

- قیمت یک جلد ۴ کلدار

بسم الله الرحمن الرحيم

نظری به قیام های عمدهٔ مردم ما

ذکر این نکته حتمی است که این اطلاعات متکی بر معلوماتی است که در مجلات و نشریه های فرهنگی مجاهدین بدست نشر سپرده شده است.

۱- اول جوزاء سال ۱۳۵۷ قیام دره وایگل نورستان
۲- اول جوزاء سال ۱۳۵۷ قیام دره شیگل کنرها
۳- ۱۲ میزان سال ۱۳۵۷ قیام سراسر نورستان و اعلان جهاد

٤ _ ١٦ عقرب ۱۳۵۷ قیام حصارك ولایت ننگرهار
٥ _ ٢٩ عقرب ۱۳۵۷ قیام خوگیانی ولایت ننگرهار
٦ _ ٢ دلو ۱۳۵۷ قیام دشت ارچی ولایت کندز
٧ _ ١ حوت ۱۳۵۷ قیام فرقه ١١ ننگرهار
٨ _ ٣ حوت ۱۳۵۷ قیام چارکنت و ولسوالی شولگره ولایت بلخ
٩ _ ٣ حوت ۱۳۵۷ قیام دره صوف ولایت سمنگان
١٠_ ٣ حوت ۱۳۵۷ قیام قریهٔ شولگره ولایت بلخ
١١_ ١٥ حوت ۱۳۵۷ قیام ولایت بغلان
١٢_ ٢١ حوت ۱۳۵۷ قیام ولایت ارزگان
١٣_ ٢٢ حوت ۱۳۵۷ قیام ولایت فراه
١٤_ ٢٤ حوت ۱۳۵۷ قیام ولایت هرات

۱۵_ ۲ حمل ۱۳۵۸ قیام ولایت بادغیس

۱۶_ ۹ ثور ۱۳۵۸ قیام ولایت پکتیا

۱۷_ ۱۰ ثور ۱۳۵۸ قیام ولایت غور

۱۸_ ۱۹ ثور ۱۳۵۸ قیام بخشی ازولایت غزنی

۱۹_ ۱۹ ثور ۱۳۵۸ قیام ولایت لوگر

۲۰_ ۱۹ ثور ۱۳۵۸ قیام ولسوالی پلخمری ولایت بغلان

۲۱_ ۲ سرطان ۱۳۵۸ قیام چنداول شهر کابل

۲۲_ ۲ سرطان ۱۳۵۸ قیام ولایت بدخشان

۲۳_ ۸ سرطان ۱۳۵۸ قیام علیشنگ و علینگار ولایت لغمان

۲۴_ ۱۷ سرطان ۱۳۵۸ قیام جلریز ولایت میدان وردک

۲۵_ ۲۰ سرطان ۱۳۵۸ قیام ولایت میدان

۲۶_ ۲۵ سرطان ۱۳۵۸ قیام ولایت بامیان

۲۷_ ۱٤ اسد ۱۳۵۸ قیام غند بالاحصار

۲۸_ ۱۶ اسد ۱۳۵۸ قیام پنجشیر

۲۹_ ۲۹ اسد ۱۳۵۸ قیام لوای اسمار

۳۰_ ۱۶ سنبله ۱۳۵۸ قیام سرتاسری ولایت غزنی

۳۱_ ۳ حوت ۱۳۵۸ قیام عمومی شهریان کابل

* * *